

هدف کلی: آشنایی با ملاک و معیار نیاز جهان به آفریننده و وابستگی جهان به خالق بی نیاز و مستقل

اهداف جزئی

تبیین نیاز انسان و جهان به خالق از طریق یک دلیل
تبیین نیازمندی جهان در بقای خود به افریننده

مجتبی محمودی

دبیر دین و زندگی شهرستان ایزه

سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

به کانال ما در تلگرام پیوندید: لینک کانال

t.me/mahmoudi-izeh



هستی بخش

در ازل

آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی درباره این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر درباره جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر درباره همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز درباره آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را و مدار چه کسی هستند؟!

- 1- ما بر اساس فطرت خویش، می دانیم که در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟
 2- آیا شناخت اولیه از جهانی که در آن زندگی میکنیم کافی است؟ توضیح دهید
 3- برای نیازمندی جهان به خدا در پیدایش استدلال کنید؟ مهم

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

نکته ← هر کدام از ما، بر اساس فطرت خویش، خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم) ¹ (به روشنی

می دانیم در جهانی زندگی می کنیم که آفریننده ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات مدد می رساند. ² با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر درباره خداوند فرا می خواند و راه های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد. یکی از این راه ها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است. ² بیان

این راه به شرح زیر است : 4- اگر به خود نظر کنیم، خود را چگونه پدیده ای می یابیم؟



پاسخ 3 مقدمه ¹ * (اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده ای می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان نیست) در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین گونه می بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها، همه را پدیده هایی می یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست. ⁴ **سوال**

چه چیزی هستند؟ توضیح دهید

پاسخ 3 مقدمه ² * پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد. همان طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت

چنین بیان می کند : **نکته:** این ابیات با مقدمه دوم استدلال نیازمندی جهان به خدا در پیدایش ارتباط معنایی دارد

ذات نیافته از هستی، بخش چون تواند که بود هستی بخش¹
 خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب دهی²

سوال

آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست؟ (که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.) ³ پاسخ

* با توجه به دو مقدمه فوق می توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هست شدن خود ⁵ (به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد) این وجود

برتر و متعالی «خدا» نامیده می شود. ⁵ 5- ما و همه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هست شدن خود به چه افریننده ای نیازمندیم؟

۱- «بخش» در مصرع اول به معنای بهره و سهم است و در مصرع دوم به معنای عطا کردن.

۲- جامی، هفت اورنگ، سبحة الابرار، بخش ۱۹.

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

مقدمه اول: ما و این جهان پدیده هستیم، یعنی وجودمان از خودمان نیست و هستی ما از خودمان سرچشمه نمی گیرد

مقدمه دوم: موجوداتی که وجودشان از خودشان نیست (پدیده ها)، در موجود شدن خود نیازمند پدیداورنده‌های هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد

نتیجه: ما و همه پدیده‌های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود نیازمند آفریننده‌ای هستیم که او خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد

نکته: دانش آموزان عزیز رشته انسانی بخش های «پاسخ به یک پرسش» و «نمونه» برای شما جزء متن آموزشی است و از این قسمت ها در امتحانات سوال طرح می شود. اما برای سایر رشته اینگونه نیست. همه دانش آموزان عزیز حتما صفحات ابتدای کتاب بخش «ارزشیابی مستمر و پایانی» را مطالعه کنید تا از موارد امتحانی و غیر امتحانی مطلع شوید

پاسخ به یک پرسش

برخی می پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده

به خالق نیاز نداشته باشد؟! ۱- نتیجه حرف کسی که بگوید «هر موجودی به آفریننده نیاز دارد» چیست؟

در پاسخ می گوئیم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی ماند. آن استدلال نمی گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بله! (اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است.

نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند) (زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و هیچ گاه هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.) پاسخ

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده‌ها چرخ دنده وجود داشته باشد که هر یک باعث حرکت دیگری می شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می چرخاند و چرخ دنده دوم چرخ دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ دنده‌ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ دنده‌هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ دنده‌ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ دنده‌ها بی نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ دنده‌ها به هیچ موتوری که حرکت دهنده چرخ دنده‌ها باشد، نرسد؟

چنین چیزی غیر ممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی نهایت چرخ دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان (مفهوم «تسلسل علت‌ها») است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول‌ها تا بی نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب

از نظر عقلی محال است) ۲

۲- مفهوم «تسلسل علت‌ها» به چه معناست؟

سوال

پاسخ

با توجه به این نکته،^۱ (عقل انسان نمی گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان طور که نمی گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می گوید «پدیده» نمی تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده ای آن را پدید آورده است.

همان طور که ذهن ما نمی پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان طور هم، برعکس، نمی پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.)^۱

نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام، است، شنیده اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟ توضیح دهید

سوال

پاسخ (اگر اندکی دقت کنیم، درمی یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد ~~گوهرشاد~~ از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هریک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می روند و ساختمان متلاشی می گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند

نیازمند است و این نیاز هیچ گاه قطع یا کم نمی شود.) پاسخ

۲- به عنوان مثال رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه کدام رابطه است؟

به عنوان مثال می توان گفت که رابطه خداوند با جهان^۲ (تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می گردد و لامپ های متصل به آن نیز خاموش می شوند.)^۲ بنابراین، (مسجد با ساخته شدن، از بنا بی نیاز می شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می کنند.)^۳

۳- تفاوت مسجد با ساخته شدن و سایر موجودات پس از پیدایش در چیست؟

۱- چون همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خدایند و اگر خداوند لحظه ای آنان را به حال خود واگذارده همه نیست و نابود می شوند

۲- انسان در هستی خود به خدا نیازمند است و این نیاز همواره و در هر آن هست و هیچ گاه قطع یا کم نمی شود. سایر داشته های انسان که همه برآمده از نعمت وجود است نیز همه نیازمند و وابسته به لطف خداست و اگر خدا هر لحظه اراده کند میتواند آن را از انسان بگیرد. بنابراین انسان سر تا پا نیازمند خداوند است

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می کند :

ما چو نایم و نوا در ما ز توست
ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان
تا که ما باشیم با تو در میان
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما
تو وجود مطلق، فانی نما
ما همه شیران ولی شیرِ عَلم^۱
حمله‌مان از باد باشد دم به دم^۲

نکته: این ابیات مولوی با مبحث نیازمندی جهان و سایر موجودات به خدا در بقا و پس از پیدایش ارتباط معنایی دارد

تدبّر در قرآن

در آیات زیر تدبّر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

■ یا أَيُّهَا النَّاسُ
أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ
وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۳

ای مردم
شما به خداوند نیازمند هستید
و خدا است که (تنها) بی نیاز ستوده است

■ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
در آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او
درخواست می‌کند.

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ^۴
او همواره دست اندرکار امری است

۱- فکر می‌کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟ **پاسخ بالای صفحه**
۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟ **پاسخ بالای صفحه**
۳- منظور از اینکه خداوند هر لحظه دست‌اندرکار امری است، چیست؟

نیازهای دائمی موجودات لطف و فیض دائمی را طلب می‌کند، او هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده‌ها است. چنین نیست که خداوند، عالم را آفریده و آن را به حال خود رها کرده باشد بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می‌کند. بنابراین او هر لحظه دست‌اندرکار امری است

آگاهی، سرچشمهٔ بندگی

۱) (انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی‌توجه‌اند؛ اما انسان‌های آگاه دائماً سایهٔ لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوستهٔ او می‌دانند) هرچه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند.

افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش بندگی^۲

۱- عَلم : برجم؛ در اینجا مولوی انسان‌ها را به شیرهایی تشبیه کرده که بر روی پرچم نقاشی شده‌اند و بر اثر وزش باد تکان می‌خورند.

۲- مثنوی، مولوی، دفتر اول (با اندکی تلخیص)

۳- سورهٔ فاطر، آیهٔ ۱۵

۴- سورهٔ رحمن، آیهٔ ۲۹.

۱- تفاوت انسان‌های ناآگاه و آگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند در چیست؟
۲- افزایش معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا، چه نتایجی در پی دارد؟

برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند:

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدایا هیچ‌گاه مرا چشم به هم زدن به خودم وامگذار.^۱

نور هستی

سوال

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند؛ که در نظر اول برای ما شگفت‌انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم (قرآن کریم می‌فرماید:

پاسخ

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ^۲... خداوند نور آسمان ها و زمین است

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهای نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند) پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟

(نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می‌شوند.)^۱

۱- نور چیست؟

۲- خداوند نور هستی است؛ یعنی چه؟ توضیح دهید؟

(خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می‌گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.)

دلی کز معرفت نور و صفا دید	به هر چیزی که دید، اول خدا دید ^۲
و به تعبیر بابا طاهر:	
به صحرا بنگرم صحرا تو بینم	به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت	نشان از قامت رعنا تو بینم ^۴

۱- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۷۴.

۲- سوره نور، آیه ۳۵.

۳- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

۴- بابا طاهر، دو بیتی شماره ۱۶۲.

تعبیر «رایت الله قبله» اشاره به این نکته دارد که آن حضرت با نگاه دقیق خود وقتی به اشیای پیرامون خود می نگرند در می یابند که همه این اشیای پدید آمده‌هایی هستند که قبلاً نبوده‌اند پس حتماً علتی آنها را به وجود آورده است، پس پی به خالق آن می برند و تعبیر «معه» اشاره به این دارد که آن حضرت وقتی می نگرند که این شیء سر تاسر نیاز و فقیر در حال حاضر وجود دارد پس درمی یابد که بقای آن مرهون خداست و تعبیر «بعده» اشاره به این دارد که ایشان وقتی می بینند که این شیء بعد از مدتی از بین رفت می دانند که تنها خداست که خالق موت و حیات است پس در فتنای شیء نیز باز خدا را مشاهده می کنند

تفکر در حدیث

امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام می فرماید: **ترجمه** ← هیچ چیزی را ندیدم مگر اینکه خداوند را قبل و بعد و با آن دیدم

مقصود امام علی علیه السلام از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟ پاسخ بالای صفحه

چگونه قابل تحقق است؟

سوال

اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند (معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.)

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟ **سوال**

در پاسخ می گوئیم. موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، **چند** دسته اند؟ **توضیح دهید؟**

پاسخ (دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانات، ستارگان و کهکشانها؛ حتی کهکشانهای بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم (خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات او را

۱- علم البقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹.

۱- چرا ذهن ما نمی تواند ذات و حقیقت خداوند را شناسایی نماید؟

می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چستی او را دریابیم؛^۱ از همین رو (پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)^۱ فرموده است:

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ^۱
ترجمه: در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات خداوند تفکر نکنید)

دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنید:

۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند
۲- پاسخ به این پرسش که: آیا نظریه تکامل داروین و یا نظریه بیگ‌بنگ می‌تواند به مباحث خداشناسی لطمه‌ای بزند؟

پاسخ به یک پرسش

چگونه می‌توان خدا را دید؟

سوال ← چرا رویت خداوند با چشم غیرممکن است؟ (زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می‌تواند عکس برداری کند؛ آن‌هم اشیا بی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی‌بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیا مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد.)

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ
وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ^۲
و او لطیف و آگاه است

فردوسی، شاعر حماسه سرا، در ابتدای شاهنامه با الهام از قرآن کریم و امامان بزرگوار، همین

معانی را در قالب شعر به ما رسانده است. او می‌گوید:

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای
خداوند روزی ده رهنمای

۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، مترجم و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۹.

۲- سوره انعام، آیه ۱۰۳.

فرورزندهٔ ماه و ناهید و مهر	خداوند کیوان و گردان سپهر
نگارندهٔ بر شده گوهر است ^۱	ز نام و نشان و گمان برترست
نبینی، مرنجان دو بیننده را ^۲	به بینندگان آفریننده را
که او برتر از نام و از جایگاه ^۳	نیابد بدو نیز اندیشه راه
همان را گزیند که بیند همی	خرد گر سخن برگزیند همی
میان بندگی را بیایدت بست ^۴	ستودن نداند کس او را چو هست

اما (نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر

کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیلهٔ «قلب» و ملاقات با خداست.)^۱

دوست نزدیک‌تر از من به من است	وین عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که دوست	در کنار من و من مهجورم ^۵

۱- چگونه می توان خدا را دید؟

اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت‌های ظاهری رابطهٔ خدا و جهان با رابطهٔ ساعت‌ساز و ساعت، تفاوت‌های این دو رابطه را بنویسید.

۱- وجود جهان از خداست اما وجود ساعت از ساعت‌ساز نیست و او فقط اجزای ساعت را تنظیم می‌کند

۲- دوام و بقای ساعت، وابسته به ساعت‌ساز نیست اما بقای جهان وابسته به خداوند است

۱- او از خیال و تصور ما برتر است. او پدیدآورنده و به تصویر کشاننده برتر گوهر عالم وجود است. مصور که به معنی صورت دهنده و نقاش است، یکی از نام‌های خدا در قرآن کریم است.

۲- به وسیله چشم‌ها نمی‌توانی آفریننده را ببینی. پس دو چشم خود را به زحمت نینداز.

۳- اندیشه و فهم انسان نمی‌تواند او را درک کند. او برتر از هر توصیفی است و تعالی است که ما به او بدهیم (شِحَانُ اللّٰهِ عَمَّا یَصِفُوْنَ)

۴- کسی نمی‌تواند او را آن‌گونه که هست بستاید. پس باید کمر بندگی را محکم بست و او را عبادت کرد.

۵- گلستان سعدی، باب دوم در اخلاق درویشان.

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟

- ۱- هر کدام از ما بر اساس فطرت خویش خدا را در می یابیم و حضورش را درک می کنیم **صحیح**
- ۲- اگر به خود نظر کنیم خود را پدیده ای می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان هست **غلط**
- ۳- پدیده ها که وجودشان از خودشان نیست برای موجود شدن نیازمند پدید آورنده ای هستند **صحیح**
- ۴- در صورتی یک موجودی پدیده نیست که در وجود خود نیازمند به دیگری نباشد **صحیح**
- ۵- خداوند موجود برتر و متعالی است که ما و پدیده های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود به او نیازمندیم **صحیح**
- ۶- عقل انسان می گوید که هر موجودی به افریننده نیاز دارد **غلط**
- ۷- ذهن ما می پذیرد که وجودی که ذاتا موجود است نیاز به پدیده آورنده دارد **غلط**
- ۸- هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود نیاز او را کمتر احساس و عجز و بندگی خود را کمتر ابراز می کند **غلط**
- ۹- خداوند حقیقتی محدود است در نتیجه ذهن ما می تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی کند **غلط**
- ۱۰- خداوند نور هستی است یعنی تمام موجودات وجود خود را از او می گیرند **صحیح**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

- 1- هر کدام از ما بر اساس خویش خدا را در می یابیم و درک می کنیم. **فطرت - حضورش**
- 2- قرآن کریم ما را به عمیق تر درباره خدا فرا می خواند **معرفت**
- 3- پدیده ها که وجودشان از خودشان نیست برای موجود شدن نیازمند به هستند که خودش نباشد بلکه وجودش از خودش باشد **پدید آورنده ای - پدیده**
- 4- یک پدیده فقط در صورتی در خود نیازمند دیگری نیست که خودش موجود باشد **وجود - ذاتا**
- 5- انسانهای آگاه دائما سایه لطف و رحمت خدا را احساس می کنند و خود را عنایات او می دانند. **نیازمند - پیوسته**
- 6- خداوند نور هستی است یعنی تمام موجودات خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و و پایه عرصه هستی می گذارند. **وجود - آشکار شده**
- 7- هر موجودی در حد خودش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و الهی است. **تجلی بخش - صفات**
- 8- روئیت خدا با چشم، غیر ممکن است زیرا چشم ساختار و دارد و فقط می تواند از اشیاء عکس برداری کند. **مادی - جسمانی**